

نام: توجه توجه

فیلمنامه ی اقتباس

نویسنده:

نرگس خرم‌دل و شیوا رجبی

روز-داخلی

فضا سرد و طوسی رنگ است شخصیت روی صندلی فلزی نشسته و رو به روی او میزی فلزی وجود دارد. شخصیت مضطرب است و با دست هایش بازی میکند خودکار و کاغذی که روی میز هستند را دائما جا به جا میکند

دختر سرش را پایین می آورد تا بنویسد خودکار که روی کاغذ قرار میگیرد صدایی باعث میشود سرش را بالا کند.

دختر دوم: چی میخوای بنویسی؟ تو فکر میکنی واقعا مقصری؟

دختر: (گنگ نگاه میکند و خودکار را دائم در دستش تکان میدهد): نیستم؟

دختر دوم: الکی این قیافه رو به خودت بگیر گذشتتو مرور کن میفهمی کی مقصره

دختر: گذشتمو؟! دروغامو!؟!

دختر دوم: تو دروغ نگفتی!

دختر (با پوزخند): آره خب. واقعا سرطان داشتم

دختر دوم : اون لحظه نیاز داشتی که سرطان داشته باشی .

دختر: نه من توجه نیاز داشتم . توجه بیخودی

دختر دوم( حرفش را قطع میکند) : خوب نگاه کن ببین چرا نیاز به توجه داشتی؟ چون بهت توجه نمیکردن، چرا توجه نمیکردن؟! چون پسر نبودی ، چون اون چیزی که اونا میخواستن نبودى ...

دختر( گوش هایش را میگیرد): خفه شو

دختر دوم : یه کاری باهات کردن که خودتم قبول نداشته باشی . خوردت کردن . تو برای همین خواستی یه نفر دیگه باشی

دختر : دلیل کافی ندارم، توجیه ندارم ، به درک که توجه نمیکردن . سرطان گرفتم توجه کردن چی شد؟!

دختر دوم: تو رو الان همه میشناسن . تو اخبار نشونت دادن. تو این وضعیت با کدوم شغل میتونستی این همه پول دربیاری

دختر: به چه قیمتی؟! سلامتیم چی شد ؟۶ سال گفتم سرطان دارم ابرو هامو زدم مو هامو زدم به شوهرم دروغ گفتم پول هارو میدم بیمارستان ولی همه رو ریختم تو حساب شخصیم.

دختر دوم: صبر کن ببینم ، تو الان نگران جیب اون مرتیکه ای که هر وقت ازش پول میخواستی باید التماسش میکردی تا دو قرون پول بهت بده؟ بد بود بیشتر حواسش بهت بود؟! تا قبلش محل سگ بهت نمیداد زیادی خوش بودی که الان داری اینارو به من میگی

دختر: اره توجه همه شده بود یه کمپوت گلابی !دیگه علاقه و رابطمون از بین رفته بود . دیگه خندشو ندیدم، دیگه حتی یه مسافرت نرفتیم.

دختر دوم: فوقش ته علاقتش و رابطت به جای سه تا بچه میشد ۶ تا که بیشتر بشینی توخونه کهنه بچه هاتو بشوری این علاقتشه؟!

دختر ( ماسکی را برمیدارد و روی صورتش میذارد موبایلش را جلویش میگیرد و رفتار گذشته اش که انگار تنگی نفس دارد تکرار میکند): سلام امروز جلسه دوم شیمی درمانیه . دکتر گفته از فردا موهام میریزه باید موهامواز ته بتراشم ( ماسک را پرت میکند، و به حالت عادی خود برمیکردد) خب که چی؟

دختر دوم: بدست آوردن توجه ، همون چیزی که میخواستیم!

دختر: من میخواستم یا تو؟من پشیمونم ( به موهای تراشیده شده ی او اشاره میکند) ولی تو انگار باورت شده سرطان داشتیم

دختر دوم: برا اینکه همه باور کنن باید خودمونم باور میکردیم . چرا باورم نشه.. خوب نگاه کن... ما چی کم داشتیم با این کار ... به هرچی که میخواستیم رسیدیم، تو چه مرگته!؟

دختر: اره رسیدیم ولی خیلی چیزارم از دست دادیم . بچه هام، خانوادم، به نظرت الان دیگه کی منو باور میکنه!؟

دختر دوم: تو خودتو باختی ... احمق چندبار بهت گفتم دکترتو عوض کن... موقعی که داشت گند همه چیز درمیومد کنار کشیدی

دختر : تو این ۶ سال ۶۰۰ بار دکتر عوض کردم ، دیگه همه داشتن میفهمیدن. برو کامنتای زیر پست آخر و بخون!

دختر دوم: گور بابای مردم. گور بابای هرکسی که هر چی خواست نوشت. تو کار خودتو میکردی!

دختر: گور باباشون؟! دیگه کی بهمون پول میداد. کی توجه میکرد؟ چرا خودتو زدی به نفهمی ! از دو میلیون آدمی که فالوم کردن چند برابرش

پول میریختن به حسابم ... این آخریا دیگه هیچ کس توجه نمیکرد. بعد پست اون دکتره همه گفتن چرا آزمایش نمیدی؟! چرا دکتر عوض میکنی.

دختر دوم: تو جماعتی که هر چقدر بیشتر غم و غصه داشته باشی و بدبخت باشی بیشتر پای حرفات میشینن ، بازم حرفتو باور میکردن فقط لازم بود بدبخت تر باشی تو تمام اون آدمای مجازی رو باختی

دختر : من آدمای واقعی زندگیم باختم... اونا هم طرفمو نمیگیرن.. اصلا برای من قاتل اینا چه فرقی میکنه؟! من بچمو کشتم!

دختر دوم: اون بچه زنده میموند که چی بشه؟! بشه یکی مته تو؟ یجور می انگار همه چی گل و بلبل بود. کی دلش برای من سوخت که من دلم برای اون بچه بسوزه. الان یادت افتاد که زجر کشش میکردیم؟ ما باید هر چیزی رو وسیله قرار میدادیم تا برسیم به هدفمون

دختر: تو با سدیم زجر کشش میکردی نه من. احساس گناه نمیکنی؟! اگه سیم از قلبمون میکشیدن بهمون سه سال سدیم تزریق میکردن بازم همینو میگفتی؟ دوست داشتی ازت فیلم بگیرن بذارن یه جایی که همه ببینن؟ دوست داشتی جای اون ادمی بودی هرروز که اینستاشو باز میکرد دروغای من و تو گند میزد تو احساس و حالش و ازش سواستفاده میشد؟ تو نگاهت به همه مثله عابر بانک بود.

دختر دوم: کار بدی نکردیم . کسی که اون فیلما رو دیده به خیال خودش کار خیر کرده. ما اینکارو نمیکردیم بقیه با سایت شرطبندی و جنس فیک و تقلبی میکردن و پولشونو میخوردن . حداقل ما باعث شدیم ثوابم بکنن.. اصن به ما چه؟ خودشون باید حواسشون باشه به کی کمک میکنن

دختر : تو چه ادم عوضی هستی! خودتم میدونی داری چرت و پرت میگی

دختر دوم: بعدم انقدر تو تو نکن. ما جفتمون با هم بودیم . همه کارایی که خودمون باهم نقششو ریختیم داری نبش قبر میکنی و انکار میکنی تا همه چیز بیوفته گردن من؟ الانم میتونی...

مثل همین الان که داری کارتو انکار میکنی . انکار کن. بازم انکار کن هر چی ازت پرسید انکار کن صدای پا می اید.

دختر(با حالتی مستاصل): داره میاد چیکار کنم؟

دختر دوم: بهت میگم انکار کن؟! اگر نمیتونی نگران نباش بازم بسپارش به من.. من انجامش میدم صدای باز شدن در می اید

پایان